سُؤر - سید

سُؤْرْ:

نیم خورده ی آب یا غذا.

سادات:

جمع سیّد. رجوع کنید به: سیّد.

سادات علوی: اولاد حضرت علی (علیه السلام).

سادات عقیلی: اولاد عقیل بن عبدالمطلب.

سادات طباطبایی: اولاد طباطبا (از فرزندان امام حسن مجتبی (علیه السلام).

سادات موسوی: اولاد حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام).

سادات حسینی: اولاد سید الشهداء (علیه السلام).

ساعد:

از آرنج تا مچ دست.

سال خمسی:

یک سال تمام از تاریخ حصول اولین درآمد ؛ بنابراین کسانی که درآمدشان بتدریج _ مثلاً روزانه _ است، مانند کسبه و رانندگان تاکسی، زمان آغاز به کارشان، شروع سال خمسی آنان است و کسانی که در مقاطع زمانی _ مثل ماهانه _ درآمد کسب می کنند، زمان امکان دریافت اوّلین درآمد، آغاز سال خمسی شان است و برای کشاورز و باغدار آغاز سال خمسی، زمانی است که بر محصول آنان صدق ربح کرده و ارزش مالی داشته باشد.

سال شمسی:

مدت یک بار حرکت انتقالی زمین به دور خورشید است که ۳۶۵ روز و چند ساعت می باشد. (از اول فروردین تا آخر اسفند).

سال قمری:

مدت ۱۲ بار گردش ماه به دور زمین است که ۳۵۴ روز و چند ساعت (از اول محرم تا آخر ذی

الحجه) می باشد.

سبّ:

فحش، نسبت زشت دادن.

سبّابه:

انگشت اشاره.

سبیل االله:

راه خدا، هر عمل خالصی که با آن، قرب به خداوند حاصل شود.

اموری که نفع آن متوجه عموم مسلمانان می شود ؛ مانند: احداث پل و... .

اموری که موجب تعظیم شعائر و اعتلای اسلام می شود.

اموری که موجب دفع مفسده و فتنه از میان مسلمانان می گردد.

ستر:

پوشش، حجاب، آنچه بدن را بپوشاند.

سجده:

پیشانی بر زمین نهادن به منظور عبادت و تعظیم خداوند.

سجده نماز: بر زمین گذاردن پیشانی و کف دست ها و سر زانوها و سر دو انگشت بزرگ پاها در نماز.

سجده سهو: سجده ای که نمازگزار به خاطر اشتباهاتی که سهواً از او سر زده، بعد از نماز باید انجام دهد.

سجده شکر: پیشانی بر زمین نهادن به منظور سپاسگزاری از نعمت های خداوند.

سجده تلاوت: در قرآن کریم ۱۵ آیه وجود دارد که به آیات سجده معروف است و در چهار مورد آن، انسان باید پس از خواندن یا شنیدن آنها بی درنگ در برابر عظمت الهی سجده کند و در ۱۱ مورد دیگر مستحب است، این سجده را سجده تلاوت می نامند.

موارد سجده واجب در قرآن:

۱- جزء ۲۱، سوره سجده، آیه ی ۱۵

۲- جزء ۲۴، سوره فصّلت، آیه ۳۷

۳- جزء ۲۷، سوره نجم، آخرین آیه

۴- جزء ۳۰، سوره علق، آخرین آیه.

سَحَر:

یک سوم آخر شب.

سِحر:

جادوگری، فریفتن دیگران با کارهای شگفت انگیز.

سُحق:

هم جنس بازی زنان. رجوع کنید به: مساحقه.

سخن چینی:

نمامی، خبر چینی و اختلاف انداختن.

سُدْس:

یک ششم.

سر قفلی:

مالی است که در ازای حق یا تسلط مال به فروشنده پرداخت می گردد.

سرقت:

دزدی.

سِرگین:

مدفوع حیوانات.

سَعْی:

هفت بار رفت و برگشت در فاصله بین دو کوه صفا و مروه که شروع آن از صفا و پایان آن مروه است.

سفاهت:

بیخردی و سبکی عقل، عدم توانایی حفظ و اداره اموال شخصی.

سفته:

سندی تجاری است که صادر کننده ی آن تعهد می کند مبلغ معینی را در موعد مقرر یا هنگام مطالبه حامل سفته پرداخت کند.

سفر:

سفر شرعی: سفری با شرائط خاص که در آن، نمازهای چهار رکعتی را باید دو رکعتی خواند.

سفر معصیت: رفتن به سفری که خود سفر حرام است ؛ مانند فرار از جنگ. رفتن به سفری که برای ارتکاب گناه ؛ مانند دزدی انجام می شود.

سَفیه:

کسی که قدرت نگهداری مال خویش را ندارد و سرمایه اش را در کارهای بیهوده مصرف می کند.

سقط شده:

جنین نارس یا مرده که قبل از موعد تولد از رحم خارج شده است.

سقی:

آب دادن، آبیاری نمودن.

سَلَس بول:

نوعی بیماری که شخص را از نگهداری ادرار عاجز می کند.

سَلَف (سَلَم):

پیش خرید، معامله ای که بهای جنس را از قبل می پردازند و جنس را بعداً تحویل می گیرند.

سماع:

شنیدن (غیر ارادی).

سنّت:

آنچه از معصوم صادر شده باشد (گفتار، رفتار و تقریر معصوم).

سهل:

آسان.

سهم:

بهره و نصیب، حصّه.

سهم الارث: نصیب هر کدام از ورثه از اموال میت.

سهم الشرکه: نصیب و بهره هر کدام از شرکاء شرکت.

سهم امام: نیمی از خمس که باید امام یا نائب او در مصالح اسلام و مسلمین مصرف کند.

سهم الارث:

رجوع کنید به: حق الارث.

سوء ظن:

گمان بد.

سُوَر عزائم:

سوره هایی از قرآن که دارای سجده واجب هستند. رجوع کنید به: سجده تلاوت.

سید:

آنکه منسوب به هاشم (جد پیامبر«صلی الله علیه وآله») باشد که شامل فرزندان عباس، جعفر، ابوطالب، ابولهب، حارث و عبدالله می شود.